

نهاد تعویق صدور حکم کیفری در فقه اسلامی، حقوق ایران و ایالات متحده

تاریخ دریافت
۱۳۹۳/۳/۱۱

تاریخ پذیرش
۱۳۹۳/۷/۱۱

صادق سلیمی^۱
محمد علی کنعانی^۲

چکیده

تعویق صدور حکم یکی از تأسیسات جدید قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بوده، و در نظام حقوقی کشور ما فاقد سابقه‌ی تقنینی می‌باشد. در این نهاد نوین شاهد رویکرد ویژه در باره‌ی اشخاصی می‌باشیم که پاره‌ای از جرایم خرد را مرتکب شده‌اند و قانونگذار در جهت سازگاری آن‌ها با قواعد اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب مجدد رفتارهای مجرمانه، با اجتماع شرایط لازم، امکان به تعویق افتادن رأی محکومیت آنها را پیش‌بینی نموده است. تعویق صدور حکم بر مبنای اصل فردی کردن مجازات بنا گردیده و جزء نهادهای ارفاقی برای بزهکاران قلمداد می‌شود. در این مقاله مبانی، قلمرو، شرایط شکلی و ماهوی، آثار و جهات الغای تعویق صدور حکم به شکل تطبیقی با تأکید بر رویکرد فقه جزایی و حقوق ایالات متحده مورد واکاوی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تعویق صدور حکم، تعویق ساده، تعویق مراقبتی، دوره‌ی مراقبت، حکم معافیت از کیفر.



۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول). رایانامه: kanani110@yahoo.com



مقدمه

تعویق صدور حکم برای نخستین بار در تاریخ قانونگذاری ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده و از نوآوری‌های این قانون به شمار می‌آید. این نهاد از حقوق کشورهای غربی و به طور مشخص از نظام حقوقی فرانسه، به شرح مواد (۱۳۲-۶۰) به بعد قانون جزای فرانسه اقتباس شده است. (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۳۵) فلسفه‌ی این نهاد حقوقی که بر مبنای نظریه برچسب زنی شکل گرفته این است که دادگاه در پاره‌ای از جرایم خُرد [تعزیر درجه شش تا هشت]، در صورت وجود شرایط قانونی، بتواند با معافیت مرتکب جرم از کیفر، از انگ و برچسب مجرمیت به وی پیشگیری نماید. این فلسفه، نقطه‌ی مقابل تعلیق مجازات می‌باشد که در آن مرتکب طی دادنامه به مجازات محکوم گردیده و سپس با فراهم بودن شرایط، مجازات مقرر درباره وی اجرایی نمی‌شود.

دادگاه در تعویق صدور حکم، با اجتماع شرایط قانونی این اجازه را دارد که اگر صدور حکم محکومیت برای مرتکب مصلحت و موقعیت نداشته باشد؛ ابتدائاً، صدور حکم محکومیت را به تأخیر انداخته و سپس مرتکب را از مجازات مقرر قانونی معاف نماید. تعویق صدور حکم بر مبنای اصل فردی کردن مجازات بنا گردیده و به وسیله‌ی آن دادگاه این فرصت را به بزه‌کار اعطاء خواهد نمود تا در مدت تعویق، خود را با قواعد اجتماعی سازگار کرده و از ارتکاب مجدد بزه خودداری نماید. این رویکرد تقنینی منطبق با دکترین قضایی اسلام و اندیشمندانی همچون روسو می‌باشد که مرتکبین معاصی و جرایم را دارای سرشتی پلید نمی‌دانند، بلکه افرادی می‌دانند که ممکن است گاهی در زندگی خویش دچار لغزش شوند، بنابراین فرصت اصلاح، تربیت و بازگشت به جامعه همیشه باید برای آنها فراهم باشد.

۱. □□□□□□□□ □□□□□□

۲. stigma





در ایالات متحده، قضات فدرال مجموعه محدودی از پاسخ‌ها را برای افرادی که به جهت مجازات نزد آنها حضور یافته، دارند. حتی زمانی که جرم ارتكابی از جرایم نسبتاً خرد و سبک باشد، با مجرم تشخیص دادن فرد، رأی صادره شده و مجازات تحمیل می‌شود و یک سابقه‌ی محکومیت دایمی در سوابق وی ثبت خواهد شد. در مقابل، قضات دادگاه‌های ایالتی جایگزین‌های کیفری مبتکرانه‌ای در اختیار دارند که استفاده از آنها می‌تواند اثرات سوابق کیفری را محو نماید. یکی از این جایگزین‌ها نهاد تعویق صدور حکم می‌باشد که در ایالت‌های مختلف با عناوینی نظیر «deferred sentencing» یا «probation before judgment» یاد می‌شود. شرکت کنندگانی که به صورت موفق برنامه‌های دوره تعویق را سپری نمایند اتهام مطرح شده علیه آنها بایگانی شده و سوابق بازداشت آنها نیز محو و از بین می‌رود. این نهاد حقوقی نه تنها یک جانشین برای مجازات حبس بوده، بلکه جانشینی برای موانع حقوقی و برچسب‌هایی که می‌تواند بالقوه از صدور رأی محکومیت حاصل شوند، قلمداد می‌شود. (colgate، ۲۰۰۹: ۱۰).

در ایالات متحده آمریکا، برای اعمال تعویق صدور حکم، دادگاه نخست اقرار مرتکب به جرم را می‌پذیرد و سپس از صدور حکم محکومیت خودداری نموده و وی را تحت یک دوره‌ی مراقبت تحت شرایط مقرر قرار می‌دهد. اگر متهم به طور موفقیت‌آمیز دوره‌ی تعلیق و مراقبت را سپری نماید دادگاه وی را از اتهامات وارده معاف می‌نماید، به نحوی که بتوان او را فاقد هرگونه سابقه‌ی محکومیت و سوءپیشینه کیفری تلقی نمود. علت این امر آن است که به موجب قوانین اغلب حوزه‌های قضایی آمریکا تا زمانی که برای متهم رأیی صادر نگردیده و مجازاتی تحمیل نشده است، محکومیتی هم برای وی قابل تصور نمی‌باشد. اینکه در حقوق آمریکا نهاد تعویق صدور حکم باعث محو سوءپیشینه کیفری شده بسیار ارزشمند است؛ زیرا وجود حتی یک سابقه‌ی بازداشت می‌تواند به تنهایی برای فرد بسیار حیاتی قلمداد شده و برای وی مشکلاتی در خصوص به دست آوردن شغل، اجاره یا خرید آپارتمان یا اخذ وام ایجاد نماید.

با توجه به نوپایی این نهاد در حقوق ایران، شناخت و بررسی ارکان و شرایط آن کاملاً ضروری می‌نماید. به این مناسبت در نوشتار حاضر تلاش شده تا ضمن بررسی مبانی و





موقعیت فقهی این نهاد، قلمرو اجرا، آثار، مرجع صالح جهت صدور، شرایط شکلی و ماهوی اعطاء و موجب فسخ این نهاد حقوقی در تطبیق با حقوق کیفری ایالات متحده مورد واکاوی قرار گیرد.

۱. نظام حقوقی اسلام^۱

در این قسمت تعامل و رویکرد فقه جزایی اسلام در خصوص نهاد تعویق صدور حکم را در دو بند جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ابتدا به بررسی نهاد تعویق صدور حکم در جنایات موجب قصاص و دیات، و نیز جرایم موجب حد، و در ادامه به واکاوی نهاد موصوف در تعزیرات خواهیم پرداخت.

۱-۱. تعویق صدور حکم در جنایات و حدود

در خصوص موقعیت و قلمرو نهاد تعویق صدور حکم در حقوق کیفری اسلام باید توجه نمود که در فقه جزایی نهادی با این عنوان مشاهده نمی‌شود، لیکن می‌توان نه تنها مشروعیت، بلکه ضرورت توجه به این نظام را در بخشی از قلمرو کیفری در حقوق اسلامی مدلل نمود.

در خصوص مجازات‌های ناظر بر جنایت، قصاص و دیه، چون کیفر جنبه‌ی حق الناسی محض دارد، لذا منطقاً مرجع قضایی در زمینه‌ی نوع واکنش نسبت به مجرم، و عوارض ناظر بر آن اختیاری نداشته و لذا نه می‌تواند مجازات را از مرتکب ساقط نموده و نه حتی اجرای آن را جز در برخی معاذیر مصرح به تأخیر اندازد، بلکه تصمیم‌گیری در این زمینه صرفاً به مجنی‌علیه و اولیای دم وابسته است.

گفتنی است در قلمرو مجازات‌های حدی نیز توجه به قواعد و ضوابط ناظر بر حدود مستنبط از نصوصی چون «من عطل حدا من حدودی فقد عاندنی» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۴)، «لا تأخیر فی الحدود» (مومن قمی، ۱۴۲۲: ۴۳۸) یا «لیس فی الحدود نظر ساعه» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۵)، حکایت از عدم اختیار مقام قضایی در اسقاط و یا تأخیر در اجرای حد دارد. بنابر ادله مزبور، باید گفت که در مورد حدود نیز بحث از اجرای نهاد تعویق صدور



۱. در تبیین دیدگاه حقوق اسلامی از منبع ذیل استفاده شده و منابع استنادی منقول از آن است: اکرمی، ۱۳۹۳: ۹۹ به

حکم که قطعاً متضمن نوعی تأخیر در اجرای مجازات، و محتملاً در بر دارنده‌ی اسقاط و معافیت از کیفر می‌تواند باشد، به لحاظ مغایرت با موازین شرعی منتفی خواهد بود. البته در مورد حدودی که جنبه حق الناس دارند مانند قذف، به نظر چون قربانی جرم می‌تواند مجازات را ساقط کند، رضایت وی نیز به طریق اولی می‌تواند تأخیر در اجرای حد و حتی اصدار حکم بر حد را به تعویق اندازد، لذا در این موارد نهاد تعویق صدور حکم با اشتراط به رضایت بزه‌دیده منع شرعی نخواهد داشت.

با این اوصاف گاه استثنائاً در برخی موارد، می‌توان نشانه‌هایی از تعویق صدور حکم را با ویژگی‌های منحصر به خود پیدا نمود؛ که البته این موارد به قدر متیقن خود محدود بوده و قابل تسری به سایر حدود نیستند. به عنوان نمونه در مورد مرد مشمول ارتداد ملی فقها بیان داشته‌اند که مجازات قتل به عنوان کیفر ارتداد بلافاصله قابل اجرا نیست، بلکه قاضی باید حکم را برای مدتی به تعویق بیاندازد و او را توبه دهد تا دست از مسیر مجرمانه بردارد. بسیاری از فقها معتقدند مدت زمان این دوره‌ی تعویق موکول به نظر قاضی است، و تا هنگامی که امید می‌رود وی از مسیر مجرمانه برگردد می‌تواند استمرار یابد. شیخ طوسی در این زمینه می‌فرماید «یستتاب القدر الذی یمکنه فیه الرجوع، و هو الاقوی» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۳؛ و نیز ر.ک. فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۵۰). برخی از فقها این دوره‌ی تعویق را محدود به سه روز دانسته‌اند (موسوی خویی، ۱۴۴۱: ۳۹۶)، لکن این نظر به دلیل ضعف ادله‌ی استنادی مورد پذیرش قرار نگرفته است، از این رو برخی از معاصرین در رد آن فرموده‌اند «إنَّ مسألة الاستتابة لیست أمراً تعبدیاً محضاً، بل الغرض منها رجوع المرتد إلى الإسلام مهما أمکن، فالحق أن أمرها منوط بنظر الحاکم، و یختلف ذلک باختلاف الموارد... و... إن... هو فی معرض الهدایه و التوبه، یؤخر قتله بمقدار یرجى عوده إلى الإسلام من دون تقدیره بالمرآت أو الأیام ما لم یصل إلى مرتبه تعطیل الحدود و الأحکام. و علی هذا فالقول باستتابة ثلاثه آیام لا یكون مطابقاً للاحتیاط فی جمیع الموارد، بل قد یقتضی الاحتیاط الذهاب إلى القول الأول، أی: إمهاله بقدر الحاجة و ما یؤمل معه الرجوع إلى الإسلام و إن زاد علی ثلاثه آیام». (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴، ۱۶۶-۱۶۵). از اینکه اعطای این فرصت برای بازگشت بزه‌کار بوده، و در این مدت چنانچه قاضی توبه‌ی مرتکب را از رفتارهای گذشته احراز نمود، دیگر مجاز به تحمیل مجازات نمی‌باشد، نهاد مزبور با نهاد نوپیدای تعویق صدور حکم تشابه فراوانی می‌یابد.





۲-۱. تعویق صدور حکم در تعزیرات

در قلمرو مجازات‌های تعزیری، نهاد تعویق صدور حکم نه فقط جایز، که رعایت آن در مواردی لازم و واجب است. توضیح آن که مستنبط از نظر برخی فقیهان آن است که جز در مواردی که نصوص شرعی بر اجرای تعزیر، تأکید و تصریح دارند، اعمال و اجرای تعزیر منوط و متوقف بر ضرورت و یا فایده‌ی مترتب بر آن خواهد بود، این فایده با التفات به مؤلفه‌هایی چون تکرار گناه و جرم، و یا قابلیت اصلاح و «بازدارندگی» و «ردع» قابل سنجش و اندازه‌گیری است. هدف از تعزیر هم بازسازی مرتکب است (الهام، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲). لذا اگر در جایی قاضی احراز کند که با عدم اجرای تعزیر، مرتکب را می‌توان از تکرار جرم بازداشت، برخی از فقها قائل به واجب نبودن اجرای تعزیر و منوط شدن آن به نظر قاضی شده‌اند؛ مثلاً شیخ طوسی در خلاف در این زمینه می‌فرماید «التعزیر الی الامام بلا خلاف... و ان علم أن غیره يقوم مقامه من الکلام و التعنیف کان له أن يعدل الیه، و یجوز له تعزیره» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵: ۴۹۷). حتی برخی از اساس در چنین حالتی قائل به عدم جواز اجرای مجازات گشته‌اند، در این زمینه برخی از معاصرین اظهار داشته‌اند «یشکل القول بجواز التعزیر إذا رأى الحاكم عدم مصلحه فيه. أما إذا رأى مع ذلك مصلحه فی ترکه، فلا یجوز بلا إشکال». (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۷۶).

لذا چنانچه قاضی اطمینان داشته باشد که اگر مجازات را اجرا نکند، مجرم متنبه شده و دست از تکرار جرم برداشته و به آغوش جامعه باز می‌گردد؛ باید از اصدار حکم محکومیت اجتناب نموده و نهاد تعویق صدور حکم زمینه‌ای برای دادن چنین فرصتی به بزهکار و در راستای موازین اسلامی خواهد بود؛ حال اگر در پایان این مدت مجرم مجدداً به بزهکاری روی آورد، کاشف از مصلحت نبودن اجرای تعزیر است، که تنها در این شرایط اجرای تعزیر توجیه و مشروعیت می‌یابد.

۲. نظام حقوقی ایران و آمریکا

تعویق صدور حکم به عنوان جایگزینی برای کیفر با ویژگی اجتماع محوری، نهاد تازه تأسیسی در حقوق ایران است که در مقایسه با نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا از قدمت و پیشینه‌ی کمتری برخوردار است. علت این که نگارنده نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا را جهت مطالعه‌ی تطبیقی نوشتار حاضر برگزیده است قدمت و تجربه این کشور در





استفاده از نهادهای مبتنی بر دوره‌ی مراقبت از جمله تعویق صدور حکم می‌باشد. ترویج این نهاد حقوقی سودمند و اقبال محاکم به آن مستلزم بررسی، تبیین و شناخت کامل آن می‌باشد؛ لذا در این قسمت نخست قلمرو، شرایط اعطاء و مرجع صالح صدور این نهاد بررسی شده، و در ادامه آثار و جهات الغای تعویق صدور حکم در حقوق ایران و آمریکا مورد تطبیق و مذاقه قرار می‌گیرد.

۲-۱. قلمرو اجرای تعویق صدور حکم

در نظام حقوقی آمریکا و ایران رویکرد واحدی در خصوص تعیین قلمرو اجرای تعویق صدور حکم مشاهده می‌شود. با این توضیح که در نظام حقوقی هر دو کشور دامنه‌ی مشخصی از جرایم مشمول تعویق بوده و در عین حال پاره‌ای از جرایم از شمول آن مستثنی شده‌اند. بر اساس صدر ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی ایران، اعمال تعویق محدود به مجازات‌های تعزیری درجه شش تا هشت می‌باشد. بنابراین تعزیر درجه یک تا پنج، حدود، قصاص و دیات از شمول آن خارج می‌باشد. همچنین مجازات‌های تعزیری درجه شش تا هشت که مشمول مقررات تعویق صدور حکم بوده شامل تعزیرات منصوص شرعی نشده و منصرف از آن می‌باشد. بر اساس تبصره (۲) ماده (۱۱۵) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات منصوص شرعی مشمول مقررات تعویق صدور حکم قرار نمی‌گیرند.

در ایالات متحده آمریکا هر چند برنامه‌های تعویق صدور حکم از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت می‌باشد اما در بسیاری از ایالت‌ها به مانند حقوق ایران، فقط اشخاص متهم به جرایم نسبتاً خرد یا اشخاصی که صرفاً سابقه در ارتکاب جرایم خرد داشته، صلاحیت استفاده از تعویق صدور حکم را دارند. هم‌چنین قانونگذار ایرانی در ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی پاره‌ای از جرایم را هر چند مشمول تعزیر درجه شش تا هشت باشند از شمول مقررات تعویق استثناء نموده است. این جرایم که در شش بند احصاء شده‌اند، غالباً جرایمی می‌باشند که نظم عمومی جامعه را به نحو شدید مختل کرده و از نظر قانونگذار نباید مرتکب آن مشمول جهات ارفاقی‌ای نظیر تعویق و تعلیق قرار گیرد. هر چند که دقت در این جرایم نشان دهنده‌ی این است که غالباً مشمول تعزیر درجه‌ی شش تا هشت نمی‌باشند، لذا با وجود خروج تخصصی نیاز به تخصیص نمی‌یابند. بر مبنای ماده (۹۴) ق.م.ا تمامی جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان نیز می‌تواند مشمول مقررات تعویق صدور حکم قرار گیرد. در پاره‌ای از ایالت‌های آمریکا هم‌چون آرکانزاس، ورمونت و تگزاس در





خصوص جرایمی که قابلیت صدور تعویق را داشته محدودیت‌هایی وجود دارد. دسته‌بندی معینی از جرایم که عموماً شامل جرایم جنسی و خشونت‌آمیز شده، از دایره‌ی تعویق صدور حکم خارج می‌باشند.

در بعضی از ایالت‌ها اختیار تعویق صدور حکم وابسته به پیشنهاد دولت (دادستان) می‌باشد و در بعضی از ایالت‌ها این گونه نیست. به موجب قوانین مربوط به تعویق صدور حکم ایالت ورمونت مصوب ۱۹۷۱، اختیار دادگاه در اعمال تعویق وابسته به توافق قبلی میان دادستان ایالتی و متهم می‌باشد. در سال ۲۰۰۵ میلادی قانون در جهت اعطای اختیار تعویق احکام محکومیت به دادگاه‌ها بدون نیاز به موافقت دادستان تحت شرایطی اصلاح گردید. این شرایط عبارتند از: نخست، سن متهم باید ۲۸ سال یا کمتر از آن باشد. دوم این که جرم ارتكابی نباید در فهرست جرایم شدید باشد. سوم آن که دادگاه باید دستور تحقیقات پیش از مجازات را بدهد (مگر دادستان دستور صرف نظر کردن از آن را بدهد). چهارم قربانی مجاز به ارائه‌ی لایحه اعتراضیه باشد. پنجم، دادگاه باید تحقیقات پیش از مجازات و لایحه‌ی متهم را در حضور طرفین بازبینی نماید. ششم دادگاه باید مشخص کند که تعویق صدور حکم در راستای عدالت کیفری می‌باشد.^۱

در ایالت دلاویر مقررات مربوط به تعویق صدور حکم در سال ۱۹۹۹ به تصویب قانونگذار ایالتی رسیده است. با نگاه بر این قانون مشخص می‌شود که تعویق صدور حکم در جرایم و تخلفات مربوط به مشروبات الکلی، نقض مقررات مربوط به منابع طبیعی و محیطی و جرایم مربوط به تخلفات وسایل نقلیه موتوری قابل اعمال می‌باشد. در مقایسه با ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی ایران که پاره‌ای از جرایم از شمول اعمال مقررات تعویق استثناء شده‌اند در ایالت دلاویر نیز تعویق صدور حکم در موارد ذیل قابل اعمال نیست:

۱. هر شخصی که قبلاً مجازات زندان، تعلیق، آزادی مشروط یا آزادی پیش از موعد را سپری نموده باشد.

۲. هر شخص متهم به یک جرم کیفری که در گذشته در خصوص ارتكاب یک جنایت خشونت‌آمیز محکوم شده باشد.

۱. vt.stat.Ann.tit.13.S70(40) (a).

۱. د. ۷۰۴۱(د).





۳. هر شخص متهم به یک جرم کیفری که در گذشته در خصوص ارتکاب هرگونه جنایت غیر خشونت آمیز محکوم شده و ده سال از آن نگذشته باشد.

۴. هر شخص متهم به یک جرم کیفری که در گذشته محکوم به یک جنحه شده و پنج سال از آن نگذشته باشد.

۵. هر شخص متهم به نقض مقررات مشروبات الکلی یا منابع طبیعی که سابقه‌ی محکومیت قبلی در این جرایم را داشته و پنج سال از آن نگذشته باشد.

۶. هر شخص متهم به کوتاهی در پرداخت جریمه‌های وسایل نقلیه موتوری که سابقه‌ی محکومیت قبلی در خصوص جرایم رانندگی داشته و پنج سال از آن نگذشته باشد.

۷. هر شخص متهم به نقض الزامات حضور در مدرسه یا مدرسه‌گریزی که در گذشته سابقه‌ی محکومیت در این جرایم را داشته و پنج سال از آن نگذشته باشد.

در ایالت مریلند، افرادی که برای اولین بار مرتکب جرایم مرتبط با قانون مواد خطرناک تحت کنترل یا مرتکب جنحه یا جنایت شده می‌توانند از نهاد تعویق صدور حکم بهره‌مند شوند. در مقابل فردی که برای مرتبه نخست مرتکب یک جرم جنسی علیه کودک شده، یا مرتکب جرمی شده که در قانون دارای یک مجازات حداقلی اجباری می‌باشد و یا مرتکب تخلفات رانندگی با داشتن گواهینامه موقت شده باشد، از اعمال مقررات تعویق محروم است.

۲-۲. شرایط اعطای تعویق صدور حکم

صدور قرار تعویق صدور حکم به عنوان یکی از جهات ارفاقی پیش‌بینی شده برای مرتکبین جرایم، مستلزم شرایطی می‌باشد. در این قسمت این شرایط به دو قسمت ماهوی و شکلی تقسیم شده و مورد تطبیق و تدقیق قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱. شرایط ناظر بر ماهیت

این دسته، شروط ماهوی‌ای را در بر می‌گیرند که وجود آنها شرط لازم برای به تعویق انداختن صدور حکم است.

۲-۲-۱-۱. شرط راجع به احراز مجرمیت

از جمله شرایطی که وجود آن در نظام حقوقی ایران و آمریکا جهت تعویق صدور حکم لازم است، احراز مجرمیت متهم می‌باشد. بر اساس قسمت صدر ماده ((۴۰)) قانون





مجازات اسلامی ایران، دادگاه زمانی می‌تواند صدور حکم را به تعویق بیاورد که مجرمیت متهم محرز شده باشد. مجرمیت مرتکب به این معناست که وی رفتاری انجام داده که بر طبق قوانین موضوعه جرم بوده و قابلیت انتساب به وی را داشته باشد. پس اگر به جهت فقدان یکی از ارکان سه گانه‌ی جرم، بزه مورد نظر شکل نگرفته باشد، یا عمل جرم بوده اما دلیلی بر انتساب آن به متهم وجود نداشته باشد، یا عمل جرم بوده اما مرتکب به لحاظ یکی از موانع مسؤولیت کیفری مانند صغر یا جنون قابل مؤاخذه نباشد، و یا اینکه عمل مورد نظر مشمول یکی از عوامل موجهه‌ی جرم (اسباب عینی عدم مسؤولیت) باشد، به جهت عدم تحقق شرط مجرمیت متهم و صدور حکم برائت توسط دادگاه، تعویق صدور حکم قابل طرح نخواهد بود.

در حقوق کیفری آمریکا نیز اعمال تعویق صدور حکم موکول به پذیرش اقرار متهم،^۱ توسط دادگاه یا تشخیص گنهکاری متهم از سوی دادگاه یا هیأت منصفه می‌باشد. به عنوان مثال قوانین مربوط به تعویق صدور حکم ایالت ورمونت که مصوب ۱۹۷۱ می‌باشد، اجازه‌ی تعویق مجازات را پس از احراز مجرمیت به دادگاه داده است. دادگاه پس از تعویق، متهم را در یک دوره‌ی مراقبت که مدت آن نظر به انجام صحیح تدابیر و دستورات غیرقطعی بوده، قرار می‌دهد.^۳

۲-۱-۲-۲. شرط ناظر بر استحقاق مجرم

بر طبق ماده ((۴۰)) قانون مجازات اسلامی «دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه‌ی وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی، و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است»، صدور حکم را به تعویق بیاورد. بر این اساس دادگاه تکلیف دارد پیش از تعویق صدور حکم درباره‌ی وضعیت و سوابق زندگی مرتکب تحقیق کند. به رغم عدم تصریح قانونگذار، این امر مستلزم تشکیل پرونده شخصیت برای مرتکب می‌باشد. بررسی مجموعه قوانین ایالت‌های مختلف آمریکا بیانگر شروطی است که نزدیک به مفهوم مندرج در ماده ((۴۰)) قانون مجازات اسلامی ایران است. به عنوان نمونه، قانون آیین دادرسی کیفری ایالت مریلند آمریکا مصوب ۲۰۱۰ میلادی، در بخش ششم از فصل

^۱ guilty plea

^۲ adjudication of guilt

^۳ vt.stat.Ann.tit.13.S7041.





مستلزم وجود جهات تخفیف می‌باشد. یعنی باید حداقل یکی از کیفیات مخففه مجازات، مصرح در ماده (۳۸)، در خصوص مرتکب جرم مصداق داشته باشد.

۴-۱-۲-۲. شرط راجع به آینده محکوم

بر اساس بند «ب» ماده ((۴۰)) قانون مجازات اسلامی، قاضی دادگاه از مجموعه مؤلفه‌هایی نظیر شخصیت، وضعیت، سوابق مرتکب و نیز کیفیت جرم ارتكابی، باید به این نتیجه برسد که عدم صدور حکم مجازات برای بزه‌کار، در آینده سبب اصلاح حال وی شده و او را از ارتكاب جرایم دیگر باز خواهد داشت. بنابراین در مواردی که مرتکب دارای سوابق کیفری عدیده بوده و ارتكاب جرم برای وی به یک عادت تبدیل شده است، می‌توان اصلاح وی با تعویق صدور حکم مجازات، را به سختی قابل پیش‌بینی دانست. این که یکی از شرایط تعویق وابسته به قدرت پیش‌بینی و پیش‌گویی قاضی دادگاه باشد، در عمل با دشواری‌هایی مواجه بوده که چه بسا باعث اعمال سلیقه و عدم وحدت رویه توسط محاکم در اجرای قانون شود. شاید به دلیل همین ایرادات بوده که چنین شرطی در قوانین ایالات متحده، مشاهده نمی‌شود.

۵-۱-۲-۲. شرط راجع به جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

جبران ضرر و زیان ناشی از جرم از دیگر شرایطی است که در هر دو نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران در بند «پ» ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. به عبارتی پرداخت خسارت مدعی خصوصی یا جلب رضایت وی از جمله شروط اعطای تعویق صدور حکم می‌باشد. در حقوق امریکا مرتکب جرمی که صدور حکم محکومیت وی معلق می‌شود ممکن است به جریمه نقدی که میزان آن از ۳۵۰۰ دلار تجاوز نخواهد کرد، محکوم شود. در ایالت ورمونت در صورت انجام موفقیت‌آمیز شرایط و دستورات دوره‌ی مراقبت، اتهامات بایگانی شده و از سوابق متهم به طور خودکار رفع اثر صورت می‌گیرد. البته در صورتی که جبران خسارت آورده به طور کامل توسط متهم صورت نگیرد از سابقه‌ی کیفری وی رفع اثر صورت نمی‌پذیرد.^۳



همچنین در در مبحث (۲۲۰ - ۶) بند ((i)، (۲)، (b)) قانون آیین دادرسی کیفری ایالت مریلند مصوب ۲۰۱۰ که مقررات تعویق صدور حکم در آن گنجانده شده است، از جبران خسارت به عنوان یکی از شرایط تعویق یاد شده است. وفق مقررات مزبور، قبل از اعمال هر گونه جریمه‌ی نقدی، مجازات مالی یا جبران خسارت، متهم حق شرکت در جلسه‌ی رسیدگی برای این منظور را خواهد داشت.

۶-۱-۲-۲. شرط راجع به فقدان سابقه‌ی کیفری مؤثر

در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، سابقه‌ی ارتکاب پاره‌ای از جرایم باعث محرومیت مرتکب در بهره‌مندی از این نهاد سودمند می‌شود. استفاده از تعویق صدور حکم بر اساس بند «ت» ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی منوط به فقدان سابقه کیفری مؤثر می‌باشد. با توجه به تبصره ماده مذکور ناظر به ماده (۲۵) مرتکب در صورت نداشتن محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، به شرح سه بند ماده‌ی موصوف، مستحق تعویق صدور حکم می‌باشد. به نظر می‌رسد محرومیت از تعویق صدور حکم به صرف محکومیت قطعی مرتکب به یکی از مجازات‌های ماده (۲۵) به طور دایم ایجاد می‌شود، و انقضای مواعد پیش‌بینی شده در ماده (۲۵) و اعاده‌ی حیثیت مرتکب، موجب برخورداری مجدد او از این نهاد نخواهد شد.

به موجب قوانین ایالت آرکانزاس، هر فردی که دارای سابقه کیفری در خصوص ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز شدید یا دارای سابقه محکومیت قبلی در زمینه‌ی ارتکاب بیش از دو جرم از درجه جنایات باشد صلاحیت استفاده از تعویق صدور حکم را ندارد.^۲ هم‌چنین به موجب قانون ایالت دلاویر محکومیت‌های ذیل مانع از اعمال تعویق صدور حکم می‌باشند:

۱. محکومیت به موجب قانون ایالت دیگر، یا محکومیت در هر قلمروی ایالات متحده که به منزله‌ی ارتکاب جرم در ایالات متحده می‌باشد.
۲. محکومیت در خصوص جرایم ارتكابی جوانان.
۳. برنامه‌های مربوط به ترک الککل مجرمان اول بار.





۴. شخصی که در مدت پنج سال پیش از ارتکاب جرم فعلی، از تعویق صدور حکم استفاده کرده باشد.

در صورتی که به جهتی از جهات قانونی نظیر عفو، نسخ قانون و گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت، محکومیت مؤثر سابق مرتکب زایل گردد؛ چون دیگر سابقه برای بزهدار محسوب نمی‌شود، لذا احکام تعویق صدور حکم در این موارد باید قابل اجرا باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۲۰). همچنین باید خاطرنشان شد که تعویق صدور حکم را نباید حقی برای بزهدار به شمار آورد. به عبارتی زمانی که تمامی شرایط اعطای تعویق هم فراهم باشد اختیار آن با دادگاه است که با توجه به وضعیت و شخصیت مرتکب تصمیم گرفته و حسب مورد صدور حکم مجازات را به عقب انداخته یا اینکه مبادرت به انشاء رأی محکومیت نماید.

۲-۲-۲. شرایط ناظر بر جهات شکلی

این دسته، شروط شکلی‌ای را در بر می‌گیرند که به مانند شروط ماهوی، وجود آن‌ها شرط لازم برای به تعویق انداختن صدور حکم است.

۱-۲-۲. شرط راجع به زمان صدور قرار تعویق

قرار تعویق صدور حکم باید پس از احراز مجرمیت متهم صادر گردد نه پیش از آن. رأی دادگاه در تعویق صدور حکم در قالب قرار بوده و صدور آن نیز زمانی است که دادگاه با بررسی عمل مرتکب آن را جرم دانسته و منتسب به وی بداند؛ در اینجاست که دادگاه با ملاحظه‌ی شرایط قانونی مبادرت به صدور قرار تعویق صدور حکم می‌نماید. بنابراین صدور این قرار پیش از احراز مجرمیت مرتکب فاقد وجاهت قانونی بوده و در صورت صدور، محکومیت انتظامی را در پی خواهد داشت.

در خصوص منوط بودن احراز مجرمیت متهم به صدور رأیی مستقل، باید گفت در حقوق کشورهای چون انگلیس و آمریکا بر خلاف ایران، احراز مجرمیت متهم و تعیین مجازات در دو مرحله‌ی مستقل رخ می‌دهد با این توضیح که در انتهای محاکمه دادگاه، قاضی در صورت عدم حضور هیأت منصفه، یا هیأت منصفه، در صورت حضور، در خصوص گناهکاری یا بی‌گناهی متهم، اتخاذ تصمیم می‌کند این اتخاذ تصمیم وردیکت^۱ نامیده می‌شود. اگر متهم در این مرحله بی‌گناه تشخیص داده شود تبرئه شده و آزاد





می‌گردد؛ و در غیر این صورت برای تعیین مجازات^۱ وی زمانی تعیین می‌شود. متهم می‌تواند در جلسه‌ی تعیین مجازات شرکت کند اما الزامی به حضور ندارد. متهم و دادستان هر کدام حق تجدیدنظرخواهی از "verdict" و "sentence" را دارند.

در تعویق صدور حکم مندرج در قانون ایران نیز در ابتدا بحث احراز مجرمیت، و سپس در انتهای مدت تعویق حسب مورد معافیت یا تعیین مجازات مطرح می‌شود، این که همانند موضعه نظام‌های حقوقی مزبور، قائل شویم که دادگاه کیفری در ایران نیز مکلف به انشای رأیی مستقل در خصوص احراز مجرمیت متهم در تعویق می‌باشد، به سختی با قواعد فعلی آیین دادرسی قابل پذیرش بوده و الزامی در این باره مشاهده نمی‌گردد. با این یادآوری که در رسیدگی‌های معمول انجام شده در محاکم ایران، احراز مجرمیت و صدور حکم بر مجازات در یک مرحله و به موجب یک رأی اتفاق می‌افتد، بنابراین همین ملاک در تعویق صدور حکم نیز به نظر جاری خواهد بود.

۲-۲-۲-۲. شرط راجع به حضوری بودن رسیدگی

در مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا بر خلاف حقوق موضوعه ایران، در خصوص امکان صدور غیابی قرار تعویق اظهار نظر صریحی به عمل نیامده است. اما در حقوق ایران به تصریح تبصره (۱) ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی، دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند. قرار تعویق صدور حکم زمانی می‌تواند توجیه یابد که دادگاه با ملاحظه‌ی وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، سوابق مرتکب و اوضاع و احوال جرم ارتكابی مجموعاً استحقاق مجرم به دریافت آن را احراز نماید. این مهم جز با حضور متهم در دادگاه قابل تحقق نمی‌باشد. شرایطی از قبیل پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی و تعهد کتبی مرتکب به عدم ارتكاب جرم که در مواد (۴۰) و (۴۱) قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است، مجموعاً حضور وی را در جلسه دادرسی جهت صدور قرار تعویق صدور حکم ضروری می‌نماید. بنابراین هر چند به موجب ماده (۶۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری تقدیم لایحه‌ی دفاعیه یا معرفی وکیل مدافع، رأی صادره را حضوری خواهد نمود، اما اینکه در دادگاه این حالت و با فرض عدم حضور مرتکب نیز بتواند قرار تعویق صدور حکم صادر کند به سختی قابل پذیرش می‌باشد.





اگر دادگاه مبادرت به انشای رأی غیابی مبنی بر محکومیت مرتکب نماید، به نظر می رسد در صورت واخواهی و اعتراض مرتکب، بتوان قرار تعویق را صادر نمود. زیرا تعویق صدور حکم که یکی از جهات ارفاقی برای مرتکبین جرایم می باشد، نباید به صرف عدم حضور مرتکب در دادگاه و صدور رأی غیابی غیر قابل اجرا تلقی شود. چه بسا عدم حضور متهم در دادگاه به جهاتی خارج از اراده وی باشد. رعایت اصول حاکم بر دادرسی منصفانه و تفسیر قوانین به نفع متهم ایجاب می نماید تا در صورت اعتراض محکوم علیه به رأی غیابی و تشکیل جلسه دادرسی، صدور قرار تعویق فاقد منع قانونی باشد.

۲-۳. مرجع صالح جهت تعویق صدور حکم

بر اساس ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی مرجع صالح جهت تعویق صدور حکم دادگاه می باشد که پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت، سوابق، اوضاع و احوال پرونده، صدور حکم را به تعویق می اندازد. بنابراین دادسرا به عنوان نهاد تعقیب، در خصوص صدور قرار تعویق فاقد صلاحیت لازم می باشد. هم چنین این قرار از جمله قرارهای قابل اعتراض دادگاه های کیفری به موجب تبصره (۲) ماده (۴۲۷) قانون آیین دادرسی کیفری می باشد.

در ایالات متحده امریکا هر ایالت، نظام قضایی مستقل و خاص خود را دارد. دادگاه های ایالتی در بیش از نود درصد از رسیدگی های کیفری مداخله می نمایند. هر ایالت یک یا چند دادگاه تالی و لاقل یک دادگاه تجدیدنظر دارد. محاکم تالی صلاحیت صدور قرار تعویق را دارند. اغلب ایالات هم دارای دادگاه هایی با صلاحیت عام، که عهده دار محاکمه در خصوص جنایات و جنحه های مهم هستند، و هم دادگاه هایی با صلاحیت محدود بوده که در موضوعات قبل از محاکمه و انجام محاکمه نسبت به جنحه های خفیف مداخله می کنند، هستند. اغلب ایالات همچنین دارای برخی از اشکال دادگاه های تجدیدنظر بینایی هستند که دادگاه عالی ایالت را در استماع میزان معمول تجدیدنظرخواهی ها مساعدت می نمایند (scheb, schebII, 1999:25).

اشاره شد که قرار تعویق صدور حکم در حقوق ایران قابل اعتراض است، اما با نگاه بر قانون آیین دادرسی کیفری ایالت مرینلند مشخص می شود که حق اعتراض متهم که از





جمله پایه‌های اصلی دادرسی منصفانه بوده، مورد توجه واقع نشده است. به این توضیح که با رضایت متهم به اعمال تعویق، متهم حق تجدیدنظرخواهی خود را در صورت صدور رأی محکومیت در آینده نیز ساقط می‌نماید.

۴-۲. آثار تعویق صدور حکم

در اغلب ایالت‌های آمریکا دوره‌ی مقرر برای مراقبت بین یک تا دو سال بوده و در بعضی از آنها نیز ممکن است این مدت به پنج سال نیز برسد. در بیشتر ایالت‌ها افراد فقط یک بار حق استفاده از تعویق صدور حکم و مزایای آن را دارند. به موجب قوانین ایالت ورمونت دادگاه ملزم به اعمال یک دوره‌ی مراقبت ثابت نیست. در صورت انجام دستورات دوره‌ی مراقبت توسط متهم، دادگاه ملزم نیست که اجازه‌ی رهایی وی از این دوره را بدهد بلکه می‌تواند تا دستور بعدی، این دوره را تمدید نماید. در ایالت دلاویر مدت زمان دوره‌ی مراقبت به وسیله دادگاه تعیین می‌شود، اما این مدت نمی‌تواند بیش از حداکثر مدت مجازات مقرر برای آن جرم یا بیش از یک سال باشد.

قانونگذار ایران مدت زمان مقرر برای تعویق صدور حکم را شش ماه تا دو سال تعیین نموده است. دادگاه صرفاً در همین محدوده می‌تواند قرار تعویق صدور حکم را صادر نماید. این مدت دقیقاً منطبق بر مدت حبس مقرر برای تعزیر درجه شش، به شرح ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی می‌باشد. با وجود اختیار دادگاه در اعمال این حداقل و حداکثر قانونی، چنانچه در جایی که مجازات مرتکب حبس بوده، می‌بایست حداکثر مدت تعویق صدور حکم را منطبق با حداکثر حبس قانونی مرتکب یا کمتر از آن تعیین نماید؛ امری که تطابق بیشتری با تحقق عدالت کیفری خواهد داشت.

با صدور قرار تعویق صدور حکم، دادگاه از انشای رأی محکومیت برای مرتکب جرم فارغ شده و در صورت بازداشت متهم، چه ناشی از قرار بازداشت و یا سایر قرارهای تأمین باشد، باید مطابق تبصره (۲) ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی دستور آزادی وی را سریعاً صادر نماید. در حقوق آمریکا پس از صدور تعویق، هرگونه اقدام قضایی دیگر علیه متهم تا زمانی که مفاد و شرایط دوره‌ی مراقبت نقض شده یا به درستی توسط متهم به انجام نرسد، به حالت تعلیق در می‌آید. دادگاه در صورت نقض شرایط دوره‌ی مراقبت می‌تواند وارد صدور حکم محکومیت شود. اما در صورتی که متهم تدابیر و دستورات دوره‌ی مراقبت را به درستی انجام دهد دادگاه باید دستور بایگانی پرونده را صادر و متهم را از دوره‌ی مراقبت آزاد و مرخص نماید و دستور رفع اثر از هرگونه سابقه‌ی وی به خاطر جرم





ارتكابی را صادر نماید. امتیازات ناشی از "قانون مجرمین اول بار" از حیث رفع اثر از سوابق کیفری، فقط برای یک بار قابل اعمال و استفاده می‌باشند.

دوره‌ی تعویق صدور حکم که مدت آن شش ماه تا دو سال می‌باشد دوره‌ای نیست که مرتکب از آزادی کامل برخوردار باشد در این مدت مرتکب علاوه بر این که به طور کتبی تعهد بر عدم ارتکاب جرم می‌دهد؛ در صورتی که تعویق وی مراقبتی باشد، علاوه بر آن باید تدابیر مقرر شده‌ی قانونی موضوع ماده‌ی (۴۲) قانون مجازات اسلامی و دستورات دادگاه به شرح ماده (۴۳) را در مدت تعویق رعایت نماید. تدابیر و دستورات مذکور، جنبه‌ی حصری دارند.

در ایالت دلاویر امریکا مانند حقوق ایران، شرایط و دستوراتی برای تعویق صدور حکم در نظر گرفته شده که عبارت است از: نخست، متهم باید آدرس فعلی سکونت خود را ارائه دهد؛ دوم هرگونه تغییر آدرس را به صورت مکتوب اعلام نماید؛ سوم در صورتی که برای برگزاری جلسه رسیدگی نقض مقررات تعویق احضار شود، حضور به هم رساند.^۱ همچنین تحمیل مجازات نقدی، پرداخت هزینه‌های دادگاه به ایالت، جبران خسارت بزه‌دیده، خدمات عمومی، خودداری از ارتباط با اشخاص معین، و رفتار در محدوده‌ی معینی که منجر به ارتکاب جرم نشود، از دیگر شرایط تعویق در ایالت مذکور است (۷: colgate, ۲۰۰۹).

در ایالت مریلند به موجب قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه می‌تواند دستور دهد متهم مدتی در زندان یا توقیف حفاظتی قرار گیرد. در صدر قانون (a). ۲۲۰-۸۶ نیز، توقیف حفاظتی در سه مفهوم تعریف شده است: نخست، نگهداری (حبس) در منزل که نظام حقوقی ایران فاقد چنین شرطی می‌باشد؛^۲ دوم، برنامه‌های اصلاحی مقرر شده به وسیله‌ی قانون که فرد در حبس خانگی را ملزم به شرکت در معالجات توأم با بستری^۳ یا برنامه‌های مشابه می‌سازد؛ سوم معالجات مربوط به اعتیاد به مواد مخدر و الکل. همچنین

۱. تقریباً این شرایط سه گانه‌ی نخست نظیر شرایط مندرج در ماده (۴۲) قانون مجازات اسلامی کشور ما می‌باشند.

۲. شرط اخیر نیز بسیار نزدیک به مفهوم بیان شده در بند (الف) ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی ایران می‌باشد.

custodial confinement

home detention

inpatient treatment





دادگاه می‌تواند قبل از اعمال تعویق، به دیارتمان سلامت و بهداشت ذهنی دستور دهد تا وضعیت روانی و سلامت فرد ارزیابی شود.

تمیهدات و برنامه‌های تعویق صدور حکم به طور قانونی در بیش از نیمی از ایالت‌های امریکا مجاز می‌باشد. در دهه ۱۹۷۰ بسیاری از ایالت‌های امریکا با الهام از مواد قانون جزای نمونه در زمینه‌ی اصلاح و تربیت بزهکاران، قوانین مربوط به تعویق صدور حکم را تصویب نمودند. بخش (۳۰۱،۱) قانون جزای نمونه اجازه‌ی تعویق تحمیل مجازات و قرار دادن متهم در تعلیق را به دادگاه می‌دهد. البته با این شرط که این امر منتهی به یک زندگی توأم با اطاعت از قوانین برای متهم شود، یا به احتمال زیاد وی را در رسیدن به این مقصود کمک و یاری نماید. شرایط دیگری که در این بخش گنجانده شده شامل مواردی چون رضایت خانواده و مسؤولین کاری، گذراندن دوره‌های درمانی پزشکی و روان‌پزشکی، کار کردن در زندان کمتر از سی روز می‌باشد. دادگاه بعد از انجام موفقیت‌آمیز دوره‌ی تعلیق، می‌تواند دستور دهد «مادام که متهم به جرم دیگری محکوم نشود، رأی صادره یک رأی محکومیت به حساب نیامده و برای وی به عنوان محکومیت کیفری موثر که باعث سلب صلاحیت از پاره‌ای امور می‌شود، قلمداد نشود.» (I)، ۳۰۱، ۵.

اشاره شد که مدت تعویق در ایران شش ماه تا دو سال می‌باشد. بزهکاری که در این دوره‌ی آزمایشی، صدور حکم مجازاتش به تأخیر افتاده است، در صورتی که جرم موجب حد، قصاص، جنایت عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت مرتکب نشود، و امتناع احتمالی او از اجرای دستورات دادگاه به محکومیتش نینجامد، می‌تواند شرایط اعطای معافیت از کیفر را پیدا کند. ماده (۴۵) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه‌ی وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند». از ظاهر ماده موصوف بر می‌آید که دادگاه پس از اتمام دوره آزمایشی، در تعیین کیفر یا معافیت از آن، اختیار کامل دارد. اما تدقیق در مفاد ماده و خصوصاً فراز اخیر آن، «...دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند» اینگونه استنباط می‌شود که، پس از اتمام مدت تعویق [دوره‌ی آزمایشی] دو فرض قابل تصور است: اول، مرتکب در مدت تعویق دستورها و تدابیر قانونی مندرج در مواد (۴۲) و (۴۳) قانون را رعایت نموده باشد؛ دوم،





مرتکب در این مدت از رعایت این دستورها و تدابیر خودداری نموده باشد. در فرض اول قاعداً صدور حکم معافیت از کیفر برای وی اجتناب‌ناپذیر بوده و دادگاه مبادرت به صدور حکم معافیت از کیفر خواهد نمود. در فرض دوم نیز اگر مرتکب بعضی از دستورها و تدابیر قانونی را رعایت ننموده، اما به نظر دادگاه عدم رعایت آنها با توجه به وضعیت مرتکب و اوضاع و احوال پرونده از اهمیت زیادی برخوردار نباشد، در این صورت نیز ماده (۴۵) قانون مجازات اسلامی این انعطاف را دارد تا دادگاه با توسل به آن بتواند مرتکب را از کیفر معاف نماید. اما اگر مرتکب تمام یا بعضی از دستورها و تدابیر قانونی را رعایت نکرده، و به نظر دادگاه عدم رعایت آنها از اهمیت زیادی برخوردار باشند، به نحوی که تحقق اهداف تعویق صدور حکم از جمله اصلاح و سازگاری مرتکب با قواعد اجتماعی را مورد تردید قرار دهد، در این حالت دادگاه با تعیین کیفر خواهد توانست منطبق حقوقی و قضایی صحیحی را اعمال نماید.

در ایالت مریلند در صورت نقض مقررات تعویق، دادگاه وارد صدور حکم محکومیت شده به نحوی که گویی متهم تحت دوره‌ی مراقبت نبوده است. تحقق شرایط و مقررات دوره‌ی تعویق نیز دادگاه را ملزم به آزادی متهم از دوره‌ی مراقبت می‌نماید. به عبارتی آزادی متهم آخرین اقدام دادگاه در تعویق صدور حکم خواهد بود. این آزادی بدون صدور حکم محکومیت بوده و در سوابق فرد درج نمی‌شود. در صورت نقض مقررات دوره‌ی مراقبت مدتی که فرد تحت توقیف حفاظتی، مانند حبس خانگی بوده، باید از مدت حبس اعمالی کسر شود.

۵-۲. الغای قرار تعویق صدور حکم

در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، فرد تحت تعویق باید در دوره‌ی مراقبت، پایبندی و التزام خود به قوانین و دستورات دادگاه را نشان دهد. در صورتی که مرتکب در مدت تعویق و دوره‌ی مراقبت از پذیرش و انجام قوانین و مقررات ذیربط استنکاف ورزد، در معرض الغای تعویق و صدور حکم محکومیت قرار می‌گیرد، و در صورت سپری کردن موفقیت آمیز مدت تعویق، حکم محکومیتی برای وی صادر نخواهد شد.

تعویق در هر دو نظام حقوقی می‌تواند به شکل ساده یا مراقبتی باشد. در این خصوص ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است. الف، در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله‌ی





دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه‌ی رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود. ب، در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله‌ی دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد. هر چند قانونگذار دادگاه را به تفهیم تدابیر و دستورات مقرر در مواد (۴۲) و (۴۳) به متهم ملزم نکرده است، اما انجام این امر با توجه به رعایت حقوق متهم، اجتناب-ناپذیر است.

ضمانت اجرای عدم پیروی از دستورات دادگاه بر اساس قسمت اخیر ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی آن است که «قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند». اما در خصوص عدم اجرای تدابیر مقرر در ماده (۴۲) ضمانت اجرای خاصی پیش‌بینی نشده است. پذیرش این نظر که قسمت اخیر ماده (۴۴) در خصوص «عدم اجرای دستورهای دادگاه» اعم از دستورهای مقرر شده به وسیله‌ی دادگاه و تدابیر قانونی بوده، و عدم ذکر تدابیر ناشی از سهو قانونگذار می‌باشد به دو دلیل موجه به نظر نمی‌رسد. اولاً قانونگذار با انشای تدابیر و دستورهای قانونی در دو ماده‌ی مستقل (۴۲) و (۴۳)، به روشنی قائل به تفاوت بین آنها شده است. در بند «ب» ماده (۴۱) نیز تدابیر و دستورات مستقلاً ذکر شده است؛ ثانیاً اصول حقوقی‌ای چون تفسیر مضیق و به نفع متهم قوانین کیفری، و رعایت حقوق متهم در تضاد با این نظر بوده و پذیرش آن را مورد تردید قرار می‌دهند. از این رو به نظر می‌رسد عدم اجرای تدابیر قانونی در مدت تعویق یا دوره‌ی آزمایشی «شش ماه تا دو سال» فاقد ضمانت اجرا می‌باشند، اما در خاتمه‌ی مدت تعویق، دادگاه بر اساس ماده (۴۵) قانون مجازات اسلامی می‌تواند در خصوص مرتکبی که تدابیر قانونی را رعایت ننموده، به جای صدور حکم معافیت از کیفر مجازات مقرر قانونی را اعمال نماید. زیرا در ماده (۴۵) قانون مجازات اسلامی در کنار دستورهای دادگاه، به «گزارش مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه‌ی وضعیت مرتکب» اشاره شده است، که با مقایسه‌ی آن با ماده (۴۲) می‌توان به ارتباط و دلالت این قسمت از ماده (۴۵) به تدابیر قانونی پیش‌بینی شده در ماده (۴۲) و بندهای آن پی برد.

ارتکاب جرم نیز در مدت تعویق از موجبات لغو قرار تعویق صدور حکم می‌باشد. به موجب ماده (۴۴) ق.م.ا. «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم





محکومیت صادر می‌کند». همچنین حسب تبصره ماده (۴۴) در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

در ایالت تگزاس با تعویق صدور حکم این امکان پیش می‌آید که متهم بدون صدور رأی محکومیت تحت یک دوره‌ی مراقبت قرار گیرد. در صورتی که به وسیله‌ی قاعده رجحان دلیل اثبات شود که متهم شرایط مقرر برای دوره‌ی مراقبت را نقض نموده است دادگاه با تشخیص تقصیر متهم می‌تواند وی را به مجازات کامل تجویز شده برای جرم اصلی، محکوم نماید. (Champion، ۲۰۰۸: ۲۰۷).

در صورتی که جرم اصلی، جنایت درجه یک یا درجه دوم باشد؛ این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این پرونده‌ها میزان مجازات می‌تواند حداکثر تا نود و نه سال یا حبس ابد در مورد ارتکاب جنایت درجه یک و حداکثر بیست سال برای جنایت درجه دوم باشد. در مقابل «در پرونده‌های تعلیق متداول» که متهم تحت دوره‌ی مراقبت قرار می‌گیرد حداکثر مجازاتی که دادگاه پس از نقض مقررات دوره‌ی مراقبت می‌تواند اعمال نماید ده سال می‌باشد. دادگاه در پرونده‌ی مربوط به تعویق صدور حکم می‌تواند در هر زمان مدت دوره‌ی مراقبت را کاهش یا در صورت صلاحدید خاتمه دهد. البته در مورد تعلیق متداول، خاتمه یا کسر مدت دوره‌ی مراقبت منوط به سپری شدن یک سوم یا دو سال از مدت مراقبت، هر کدام کمتر باشد، است. تنها استثناء به جرایم جنسی بر می‌گردد که دادگاه اختیار تقلیل مدت نظارت یا پایان دادن به آن را ندارد.

به موجب قوانین ایالت ورمونت، متهم باید در طول مدت مراقبت شرایط اعمال شده توسط دادگاه را برای اجتناب از حبس، به درستی انجام دهد. کوتاهی در برآوردن این شرایط ممکن است باعث لغو دوره‌ی مراقبت شود. در قانون آیین دادرسی کیفری و جرایم ایالت ورمونت مصوب ۲۰۱۱ دادگاه در صورت نقض مفاد دوره‌ی مراقبت مکلف به صدور مجازات است. متقابلاً در صورت تحقق شرایط و مقررات دوره‌ی مراقبت نیز آزادی متهم و عدم صدور رأی محکومیت گریزناپذیر می‌باشد.

۱. preponderance of the evidence

۲. regular probation case

۳. §704,(e).



اگر در مدت مقرر برای تعویق صدور حکم، مرتکب دلایل جدیدی مبنی بر بی‌گناهی خود به دادگاه صادر کننده قرار ارائه دهد، قوانین ایران و آمریکا در این که دادگاه تکلیف به رسیدگی و بررسی این دلایل جدید را دارد یا خیر، سکوت نموده‌اند. پاسخ به این مسأله وابسته به آن است که قرار تعویق صدور حکم را یک قرار نهایی برای دادگاه بدانیم یا خیر. از آنجا که قرارهای نهایی دادگاه، دارای دو ویژگی اصلی می‌باشند، نخست اینکه صدور آنها فرایند دادرسی و رسیدگی به جرم مورد نظر را در محاکم بدوی خاتمه می‌دهند، و دیگر آن که دادگاه را مشمول قاعده‌ی فراغ دادرسی می‌نمایند، باید گفت قدر متیقن قرار تعویق صدور حکم دادگاه را مشمول قاعده‌ی فراغ دادرسی نمی‌نماید، زیرا دادگاه پس از صدور آن، در انتهای مدت تعویق جهت صدور حکم تعیین یا معافیت از کیفر مجدداً پرونده‌ی امر را نزد خویش مفتوح می‌نماید، بنابراین این قرار، اصلی‌ترین خصیصه‌ی قرارهای نهایی که همان قاعده‌ی فراغ دادرسی می‌باشد را دارا نبوده و قرار نهایی محسوب نمی‌شود. پس در صورت ارائه‌ی دلایل جدید مبنی بر بی‌گناهی متهم، منعی در رسیدگی و احیاناً صدور حکم برائت وجود نخواهد داشت.

۶-۲. واکاوی در خصوص سوءپیشینه و امحای آثار کیفری

اگر قرار تعویق به معافیت مرتکب از کیفر منتهی گردد، در این که آیا این تصمیم قضایی یک رأی محکومیت قلمداد شده و در سجل کیفری فرد ثبت می‌شود یا خیر، در حقوق جزای ایران باید از مقایسه‌ی آن با معاذیر قانونی کمک گرفت. در معاذیر قانونی معافیت از مجازات، وصف مجرمانه‌ی عمل به جای خود باقی است و مرتکب مسئولیت کیفری دارد، به همین دلیل رأی دادگاه مبتنی بر معافیت از مجازات و نه برائت می‌باشد، لذا حکم در سجل کیفری متهم ثبت می‌شود. در تعویق صدور حکم نیز رأی دادگاه بر معافیت و نه برائت فرد می‌باشد؛ با این مقایسه در این نهاد نیز شاید بتوان نظر داد که پس از صدور حکم معافیت، مراتب در پیشینه‌ی کیفری محکوم درج خواهد شد. اما با نگاه به حقوق آمریکا که بیشتر ایالات معافیت از کیفر مرتکب به دنبال سپری نمودن موفقیت آمیز دوره‌ی مراقبت را حکم محکومیت تلقی نمی‌نمایند، می‌توان این دیدگاه سختگیرانه را تعدیل نمود.

قوانین ایالات متحده آمریکا دیدگاه متفاوتی در خصوص امحای سوابق در تعویق دارند. در بیست ایالت آرکانزاس، کلرادو، کنتیکت، دلاویر، فلوریدا، هاوایی، ایلینویز، آیووا، لوزیانا، مریلند، میسیسیپی، میزوری، مونتانا، پنسیلوانیا، اوکلاهاما، داکوتای جنوبی،





تنسی، تگزاس، ورمونت و واشنگتن پذیرفته شده که اگر دوره‌ی مراقبت با موفقیت سپری شود هیچ‌گونه سوءپیشینه‌ای برای فرد درج نخواهد شد. شش ایالت دیگر نظیر اوهایو و آلاسکا صرف‌نظر کردن از اقرار متهم به ارتکاب جرم و بایگانی کردن اتهامات او را پس از انجام موفقیت‌آمیز دوره تعلیقی پذیرفته‌اند اما راجع به امحای آثار کیفری جرم حکمی ندارند. در این ایالت‌ها رأی محکومیتی صادر نمی‌شود اما اقرار مرتکب به ارتکاب جرم^۱ در سوابق فرد باقی مانده و ممکن است افشا و اعلام شود. (colgate، ۲۰۰۹: ۱۴).

در پاره‌ای از ایالت‌ها، مسأله‌ی اجتناب از سوءپیشینه در تعویق از جامعیت و وضوح کمتری برخوردار است. قوانین نیویورک مقرراتس پیرامون تعویق صدور حکم ندارند، اما دادگاه‌ها برنامه‌های مربوط به تعویق را تحت قواعد و نظامات خود، مدیریت و اجرا می‌نمایند، و پس از درخواست دادستان متعاقب انجام موفقیت‌آمیز تعلیق، از اقرار به ارتکاب جرم مرتکب رفع‌اثر می‌نمایند. در ایالت نیویورک از سوابق عدم محکومیت به طور خودکار و اتوماتیک رفع‌اثر می‌شود مگر اینکه دادستان معترض این امر باشد. در ایالت میزوری دادگاه‌ها مجاز هستند که تحمیل مجازات را تعلیق کرده و از سابقه‌ی متهم رفع‌اثر نمایند؛ اما برای اجرای قانون و پاره‌ای از اهداف خاص، دفاعیات و اتهامات در سوابق فرد باقی می‌مانند. کارولینای شمالی و جنوبی صرفاً برای جرایم خرد مواد مخدر، مقرراتی نسبت به تعویق صدور حکم دارند. مطابق این مقررات تعویق صدور حکم صرفاً برای مجرمانی که جرم آنها قبل از بیست و یک سالگی ارتکاب یافته باشد سابقه کیفری محسوب نشده و در سوابق آنها ثبت نمی‌شود.

ایالت‌های کالیفرنیا، مینسوتا و داکوتای شمالی اجازه‌ی رفع‌اثر و عدم ثبت سابقه‌ی کیفری در تعویق صدور حکم را نداده‌اند.

در حال حاضر دادگاه‌های فدرال فاقد هرگونه مقررات در خصوص به تعویق انداختن مجازات یا صدور حکم محکومیت می‌باشند. قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال مقرر می‌دارد که «دادگاه باید بدون تأخیر غیرضروری اعمال مجازات کند.» (۱) (b) (Fed.R.Crim.proc.32). تنها استثناء به قانون مجرمین اول بار^۲ می‌گردد که بر اساس آن شخصی که فاقد سابقه‌ی کیفری قبلی در خصوص مواد مخدر بوده و در خصوص جرم

^۱guilty plea

^۲Time of sentencing

^۳ittle 18 u.s.c.section 3602(“special probation and expungement procedures for drug possessors”)





جنگه‌ای نگهداری ماری جوانا مجرم تشخیص داده شود، و در عین حال زیر بیست و یک سال داشته باشد، دادگاه باید به درخواست چنین فردی دستور محو و رفع اثر از سابقه‌ی او را صادر نماید.

ممکن است صدور رأی محکومیت مرتکبین جرم برای مرتبه‌ی نخست، پس از اقرار به جرم به تعویق بیافتد، و پس از سپری نمودن موفقیت‌آمیز شرایط و دستورات دوره‌ی مراقبت، به طور خودکار مستحق محو و رفع اثر از هرگونه اتهام یا محکومیت باشند. (Ark.code.Ann, §§I6-9۳-۳۰۲(۱)(۲), ۹۳-۳۰۳(۱)(۲)).

در ایالت تگزاس متهمین به جنایت و جنگه که رأی محکومیت آنها به تعویق می‌افتد، ممکن است برای دستور رفع اثر از سابقه واجد شرایط باشند. به موجب قانونی که سال ۲۰۰۵ تصویب شد، شخصی که به موجب تعویق صدور حکم تحت دوره‌ی مراقبت قرار گرفته و متعاقب آن آزاد گردیده و پرونده‌ی وی بایگانی می‌شود، به رغم داشتن سابقه‌ی دوره‌ی مراقبت می‌تواند صدور «دستور عدم افشای سابقه»^۱ را از دادگاه درخواست نماید (TexasGov.code, 081§411).. علاوه بر هزینه‌ی دادرسی، هزینه‌ی این درخواست بیست و هشت دلار بوده که در عموم پرونده‌های حقوقی باید پرداخت شود. بعد از ارسالخطاریه به دادستانی و برگزاری یک جلسه‌ی استماع، در خصوص استحقاق متهم برای طرح این درخواست و اینکه صدور این دستور «عدم افشای سابقه» به مصلحت عدالت و دادگستری می‌باشد تصمیم‌گیری می‌شود. دادگاه باید دستور منع نهادهای عدالت کیفری از افشای اطلاعات مربوط به سابقه‌ی کیفری متهم را که مرتبط با تعویق بوده صادر نماید. (Texas code of criminal proce dure, Article 55.01(2)(B)).

تاریخ درخواست به دادگاه برای دستور عدم افشاء، در جرایم جنگه و جنایی، به ترتیب دو و پنج سال از تاریخ آزادی از دوره‌ی مراقبت می‌باشد.

دستور عدم افشاء، نهادهای عدالت کیفری را از افشای عمومی سوابق کیفری مرتبط با جرم ارتكابی موضوع تعویق منع می‌نماید. تنها استثنای این امر مجوزی است که به موجب «قانون اطلاعات ملی» داده شده است. مطابق آن نهادهای عدالت کیفری می‌توانند اطلاعات مربوط به سوابق کیفری متهم را صرفاً به دیگر نهادهای عدالت کیفری فهرست شده در ماده (i) ۴۱۱,۰۸ که شامل مدارس، بیمارستانها و دیگر نهادها و هیأت‌های عمومی دارای مجوز می‌باشند، بدهند.





نتیجه گیری

قانونگذار مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، با لحاظ مبانی فقهی و نگاه بر قوانین کشورهای دیگر و استفاده از تجربیات آنان مبادرت به ایجاد نهاد تعویق صدور حکم نموده است. نظر به این که مبانی اصلی این نهاد بر باز اجتماعی کردن بزهکار، اعطای فرصت به وی در سازگار کردن خود با قواعد اجتماعی و جلوگیری از تکرار جرم استوار است، کارایی آن در تعویق مراقبتی به انجام کامل و صحیح تدابیر و دستورات مقرر در قانون توسط مرتکب و نظارت دقیق بر حسن انجام این تدابیر و دستورات بستگی دارد. به عبارتی دادگاه باید در مدت تعویق با رصد افعال مرتکب جرم در خاتمه اطمینان یابد که وی متنبه شده و در آینده دوباره مرتکب جرم جدید نخواهد شد و با این اطمینان مبادرت به انشای حکم معافیت از کیفر نماید.

بررسی تعویق صدور حکم در نظام حقوقی ایران و آمریکا حاکی از وجود قرابت دو نظام حقوقی در کلیات و اختلافات معدودی در جزئیات است. انتقاد وارده بر قانونگذار مجازات سال ۱۳۹۲ این است که به رغم پیش‌بینی نهادهای ارفاقی متنوع و جدید مانند نهاد حقوقی تعویق صدور حکم، دامنه‌ی شمول غالب آنها را به جرایمی با مجازات‌های نسبتاً سبک، محدود نموده است. بنابراین لازم است که قانونگذار در بازبینی این قانون آزمایشی، تمهیداتی را لحاظ نماید تا نهادهای ارفاقی آن از جمله تعویق صدور حکم صرفاً شامل جرایم خرد نشده تا نظام عدالت کیفری با آزادی عمل وسیع‌تری در استفاده از آنها برخوردار نماید.

در اغلب ایالت‌های آمریکا، سپری شدن موفقیت‌آمیز دوره‌ی مراقبت در تعویق صدور حکم منجر به معافیت از مجازات شده، و به تبع آن سابقه‌ای هم برای مرتکب باقی نخواهد ماند. لذا پیشنهاد می‌شود در حقوق ایران نیز با لحاظ حقوق متهمین، قانونگذار تصریح کند که تعویق صدور حکمی که منتهی به معافیت مرتکب از کیفر می‌شود، یک حکم محکومیت قلمداد نشده و در پیشینه‌ی کیفری مرتکب ثبت و ضبط نگردد.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۳ش، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، نشر میزان، چ ۱، ج ۳.
۲. _____، مصاحبه با روزنامه رسالت، ۱۳۹۲ش، ش ۲۵۳۱.





۳. افراسیابی، اسماعیل، ۱۳۷۶ش، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر فردوسی، بی‌چا.
۴. اکرمی، روح الله، ۱۳۹۳ش، جزوه حقوق جزای عمومی ۳، دوره فقه قضای مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زیر نظر ریاست قوه قضاییه.
۵. الهام، غلامحسین، ۱۳۹۱ش، اعتماد به قاضی: تحلیل ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریات فقهی شورای نگهبان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۷.
۶. امیر سماواتی پیروز، ۱۳۸۳ش، حقوق جزای آمریکا، انتشارات نگاه بینه، چ ۱.
۷. انصاری، ولی الله، ۱۳۸۰ش، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، سمت، چ ۱.
۸. زراعت، عباس، ۱۳۹۲ش، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چ ۲.
۹. _____، ۱۳۹۲ش، حقوق جزای عمومی ۳، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چ ۱.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، بی‌تا، التعلیل: احکامه و حدوده، قم، بی‌نا، چ ۱، ج ۱.
۱۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۵.
۱۲. _____، ۱۳۸۷ق، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چ ۳، ج ۷.
۱۳. عادل نیا نجف آبادی، مظاهر، ۱۳۹۰ش، تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران و بررسی عملکرد مقنن ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۱۴. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، موسسه اسماعیلیان، چ ۱، ج ۴.
۱۵. فلچر، جرج پی، ۱۳۸۴ش، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه مهدی سیدزاده ثانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۱۵.
۱۶. قیاسی، جلال الدین، حیدری مسعود، ۱۳۹۱ش، مقاله بررسی تعویق صدور حکم در لایحه قانون مجازات اسلامی، مجله حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۱.
۱۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث، چ ۱، ج ۱۴.
۱۸. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۲ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجلد.





۱۹. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، ۱۳۸۵ش، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان، چ ۲، ج ۱.
۲۰. مصدق، محمد، ۱۳۹۲ش، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چ ۳.
۲۱. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، ۱۴۲۷ق، فقه الحدود و التعزیرات، قم، الجامعه المفید ره، چ ۲، ج ۴.
۲۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲ق، مبانی تکمله المنهاج، قم، موسسه احیاء الآثار الامام الخویی ره، چ ۱، ج ۴۱.
۲۳. مؤمن قمی، محمد، ۱۴۲۲ق، مبانی تحریر الوسیله، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام خمینی ره، چ ۱.
۲۴. نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۴۱.
۲۵. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۸۰ش، نقش تعدیل کننده تعلیق مراقبتی به عنوان کیفر جایگزین زندان، مجله دادرسی، ش ۲۵.

- 26-Allen, Harry, Eric Carlson and Evalyn Parks,(1979), Critical Issues in Probation. Washington, DC: Government Printing Office.
- 27-Colgate Love, Margaret,(2010), Alternatives to Conviction: Deterred Adjudication as a Way of Avoiding Collateral
- 28- Dean John, Champion,(2008), Probation, parole and Community Corrections in the United States, Six Edition, Pearson, Washington, Consequenc Federal Sentencing Report, Vol.22, no1.
- 29-Howard Abadinsky,(2009), Probation and Parole Theory and Practice, Tenth Edition , Pearson.
- ۳۰-Jewkes Yvonne,(2008), Prisons and Punishment Los Angeles, Sage Publication.
- 31-John M.scheb and john M.schebII, (1999), "criminal law"second edition.thomson publishing compony.
- 32-www.law.cornell.edu

